

افق اقتصاد جهانی و روابط اقتصادی بین المللی ایران

(امکانات منطقه‌ای)

علی رشیدی

اوضاع سیاسی و اقتصادی جهان و روابط بین‌المللی در آخرین دهه‌ی قرن بیستم دچار تحولات تکاملی شگرف و برگشت‌ناپذیری شده است. سقوط و ازهم پاشیده شدن نهایی اتحاد جماهیر شوروی بعد از ۷۲ سال در ۱۹۹۱، اتمام موفقیت‌آمیز مذاکرات دور اروگوئه و تأسیس سازمان تجارت جهانی در آغاز سال ۱۹۹۵، بحران مالی کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا در سال‌های ۱۹۹۸ - ۱۹۹۷ و درس‌های گرفته شده از آن، تشکیل منطقه آزاد تجاری NAFTA در آمریکای شمالی از کانادا تا مکزیک در سال ۱۹۹۴، ایجاد پول واحد اروپا و آغاز کار اتحادیه‌ی اقتصادی و پولی اروپا در اول ژانویه ۱۹۹۹، هر یک پدیده‌های مهم و شگفت‌انگیزی بوده‌اند که اثرات خود را بر اقتصاد جهانی و روابط بین‌المللی طی دهه‌های آینده آشکار خواهند ساخت.

در کنار این پدیده‌ها و تحولات اقتصادی، پیشرفت‌های علمی و فنی شگفت‌انگیزی حاصل شده است که افق دید و امکانات بشر سابقاً مقید به کره‌ی خاکی را به کلی دگرگون ساخته است. انقلاب اطلاعاتی، انقلاب ژنتیکی، انقلاب راه‌یابی، دسترسی و اقامت طولانی در فضا، انقلاب در تولید انرژی، انقلاب در ابزار مالی و پولی و بازارها و بالاخره انقلاب در اعداد و ارقام آن قدر سریع و وسیع بوده است که تدریجاً از حوزه هوش و قدرت ذهن و فهم بیش از ۹۰ درصد مردم جهان خارج گشته است.

امروز، یک انسان هوشمند، حتا یک بچه‌ی ده ساله، به کمک امکاناتی که علم و تکنولوژی در اختیار او گذاشته است با همگامی دولت‌های منتخب مردم و دلسوز که

امکانات قانونی، قراردادی و تاسیساتی آنرا فراهم ساخته‌اند، می‌تواند به کمک اینترنت یا شبکه‌ی جهانی ارتباطات، در ظرف کم‌تر از یک دقیقه به کلیه‌ی تاریخ، فرهنگ و علم بشر از ابتدای خلقت تا امروز دسترسی داشته باشد و از آن کپی برداری نماید.

به کمک یک شماره‌ی کارت اعتباری و اینترنت می‌تواند از درون اتاق خواب خود در شمالی‌ترین نقطه‌ی زمین مثلاً آلاسکا از جنوبی‌ترین نقطه‌ی مسکونی کره‌ی زمین مثلاً جنوب شیلی دیدن کند و محصولات دریایی‌ای را سفارش دهد، که در کم‌تر از یک هفته، در منزل، تحویل او خواهد شد.

از مجموعه این پدیده‌ها و تحولات شگرف، بحث ما معطوف به تحولات اقتصادی در مقیاس جهانی و اثرات آن بر اقتصاد ایران و بر رفاه مردم ایران است.

پایان جنگ جهانی دوم در ۱۹۴۵ را باید آغاز تولد واقعی و حرکت در جهت اقتصاد جهانی و جامعه‌ی جهانی و فرهنگ جهانی و تأسیسات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهانی دانست.

امروز، بیش از پنجاه سال بعد از خاتمه جنگ جهانی دوم، همه جا صحبت از جهانی‌شدن اقتصاد و روابط اقتصادی بین‌المللی است، ولی، نیاز به گفتن ندارد که وضعیت کنونی، حاصل پنجاه سال تلاش در مقیاس جهانی برای نیل به چنین وضعی است. تأسیس سازمان ملل متحد (۱۹۴۵)،

تأسیس صندوق بین‌المللی و بانک جهانی (۱۹۴۵)، تأسیس گات (۱۹۴۷)، تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، تأسیس اتحادیه ذغال و فولاد اروپا (۱۹۴۸)، تأسیس اتحادیه اتمی اروپا (۱۹۵۱)، تأسیس بازار مشترک اروپا (۱۹۵۸)، تأسیس اوپک (۱۹۵۹) و تأسیس بیش از پنجاه اتحادیه‌ی سیاسی، اقتصادی و نظامی مانند ناتو، سی‌تو، ستو، پیمان ورشو، اتحادیه عرب، منطقه آزاد اروپا EFTA، همکاری اقتصادی - منطقه‌ای RCD/اكو، ECO/ و مناطق آزاد تجاری مانند: آپک APEC/، آسه‌آن ASEAN/، اتحادیه اقتصادی اروپا EEC/ و نفتا NEFTA/ جملگی تدریجاً در سایه درک شناخت ضرورت تشکیل سازمان‌ها و نهادهای فراملیتی برای دست‌یابی به منافع مشترک و دفاع از دست‌آوردهای مشترک بوده است.^۱

شکی نیست که در طول این نیم قرن، ایالات متحد آمریکا، اروپای غربی و ژاپن به‌عنوان سه هسته‌ی مرکزی تحولات سیاسی - اقتصادی جهانی نقش داشته‌اند. یافتن نقش

مؤثر در ایجاد و جهت دادن به تحولات جهانی توسط این قطب‌ها، مرهون نظام سیاسی آن‌ها یعنی قبول و اجراء اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و منشور ملل متحد حداقل در درون سرزمین‌های خود و برای اکثریت مردم‌شان بوده است.

حاصل چنین توجه، همراه با سایر عوامل از جمله احترام به: حقوق و آزادی‌های فردی، حق مالکیت، حق تعیین سرنوشت، حق تشکیل و اقدام به فعالیت اقتصادی، انجام تجارت و دادوستد، حق داشتن اطلاعات، حق انجام تحقیق و تفحص، حق گفتن و نوشتن و... جملگی محیط مساعدی را در این ممالک ایجاد کرده‌است که حاصل آن در پنج نکته خلاصه می‌شود:

۱. پیشرفت‌های علمی در سایه‌ی ایجاد محیط مساعد برای تحقیقات و کارهای علمی؛
۲. پیشرفت‌های اقتصادی و تأمین مادی؛
۳. آزادسازی بهتر و بیش‌تر حوزه‌ی تحرک و فعالیت و افق دید افراد از راه گم‌گام و گارآمد کردن حکومت و دولت و کاستن عوامل کنترل و فشار و دادن فرصت فعالیت به خود مردم؛
۴. جهانی‌شدن افق دید و حوزه‌ی فعالیت‌های تجاری، سرمایه‌گذاری‌ها، نقل و انتقال نیروی انسانی و خدمات؛
۵. طولانی شدن عمر شهروندان، توأم با سلامتی و احساس لذت و خوشبختی انسان‌ها.

تمام پیشرفت‌های کمی ایجاد شده طی پنجاه سال، در دو رقم ارزش تولیدات جهانی و ارزش تجارت جهانی، قابل خلاصه کردن است. در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۹۱ - ۱۹۵۰ ارزش تولیدات جهانی شش برابر و ارزش صادرات جهانی ۱۲ برابر شده‌است.

به عبارت دیگر، طی ۴۰ سال متوسط تولید، درآمد و قدرت خرید مردم در مقیاس جهانی شش برابر گردید و علت اصلی این رشد حیرت‌انگیز را باید در ۱۲ برابر حجم تجارت جهانی و ۲۳ برابر شدن صادرات کالاهای ساخته شده و جملگی آن‌را ناشی از تعقیب سیاست‌های آزادسازی اقتصادی در مقیاس ملی و جهانی، توسط ممالک صنعتی دانست.

سرعت رشد و تحول اقتصادی و عوامل مرتبط با آن در دهه‌ی ۱۹۹۰ بیش‌تر شده است. متوسط ارزش تولیدات سالانه‌ی جهانی در دهه‌ی ۱۹۸۰ (۸۹ - ۱۹۸۰) برابر ۱۴۴۷۳ میلیارد و در دهه‌ی ۱۹۹۰ (۹۹ - ۱۹۹۰) ۲۶/۶۲۸ میلیارد دلار محاسبه شده است که

معرفی ۸۵ درصد افزایش، طی یک دهه می‌باشد. (جدول شماره یک)

اگر متوسط نرخ تورم (شاخص ضمنی تولید ناخالص داخلی) در ممالک پیشرفته صنعتی را که در دهه‌ی ۱۹۹۰، برابر ۲/۶ درصد بوده است در نظر بگیریم، رشد واقعی تولید ناخالص داخلی ممالک پیشرفته‌ی صنعتی، سالانه در دهه‌ی ۱۹۹۰، برابر ۳ درصد و رشد واقعی تولید در ممالک در حال توسعه (با شاخص تورم ۲۹/۲ درصد) در همین دهه، برابر ۵/۳ درصد و در ممالک آسیا (غیر از خاورمیانه)، ۷ درصد محاسبه شده است.^۲

تجربه‌ی صدساله ممالک صنعتی و تجربه‌ی ممالک شرق و جنوب شرقی آسیا در بیست سال اخیر ثابت کرده است که هر چه اقتصاد بازتر و روابط اقتصادی بین‌الملل متنوع‌تر و آزادتر باشد، امکان رشد و توسعه‌ی اقتصاد بر پایه‌ی قابلیت‌های تطبیقی و رقابت آزاد در مقیاس جهانی، بیش‌تر فراهم می‌شود. متوسط رشد صادرات، به‌علاوه واردات تازه صنعتی شده آسیا در دهه‌ی ۱۹۸۰، برابر ۱۰/۸ درصد و در دهه‌ی ۱۹۹۰، برابر ۱۰ درصد محاسبه شده است. به‌عبارت دیگر، رشد ۷ درصدی سالانه‌ی تولید ناخالص ملی، تنها در سایه‌ی رشد ۱۰ درصد تجارت خارجی امکان‌پذیر شده است.

آزادی تجارت و وجود رقابت در بازار، توأم با تسهیل پرداخت‌های بین‌المللی، مخصوصاً مربوط به کالاها و خدمات، حداقل چهار اثر بنیادی به‌شرح زیر از خود بر جای می‌گذارد:

۱. تخصیص صحیح و بهینه‌ی منابع بر اساس بازده رقابتی و ارزش جانشینی؛
۲. ایجاد صرفه‌جویی‌های هزینه‌ای ناشی از بزرگ شدن مقیاس تولید؛
۳. انتقال و تبدیل تکنولوژی تولید و ایجاد تحول صنعتی که لازمه‌ی بالا بردن استانداردها است؛

۴. تنوع تولید، صادرات و واردات و جوش خوردن اقتصاد با اقتصاد جهانی.

حاصل توسعه و تنوع تجارت بر کل اقتصاد، به‌علاوه بر رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال صنعتی و تجاری و خدماتی، بالا رفتن درآمد و رفاه مردم کشور است، که هدف نهایی هر برنامه‌ی اقتصادی - اجتماعی است.

رشد و توسعه‌ی تجارت جهانی، طی پنجاه سال، از کاستن موانع بر سر راه تجارت، اعم از موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای حاصل شده است.

از ۱۹۴۷ و شروع مذاکره برای رفع موانع

تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تا ۱۹۸۶ و شروع مذاکرات دور اروگوئه، جمعاً طی ۷ دور مذاکره، متوسط تعرفه‌های کالاهای صنعتی از حدود ۴۰ درصد به حدود ۵ درصد تقلیل یافته بود. در مذاکرات دور اروگوئه ۹۴ - ۱۹۸۶ همین درصد، به ۳/۶ درصد کاهش یافت.

در عین حال طی این ۵۰ سال، کلیه‌ی موانع غیرتعرفه‌ای مانند: ممنوعیت واردات، سهمیه‌بندی واردات، جهت دادن به واردات و صادرات با اعمال سیاست‌های بازرگانی و پولی خاص، کاملاً حذف شده است. در حال حاضر، اصولاً ۴۳ درصد تجارت کالاهای صنعتی غیرنفتی از هرگونه تعرفه معاف است و ۴۸ درصد بقیه تعرفه‌ای زیر ۱۰ درصد دارد.

حذف تعرفه‌ها طی دوره‌ی حداکثر ۸ ساله بعد از خاتمه‌ی مذاکرات دور اروگوئه (تا سال ۲۰۰۲) صادرات ممالک صنعتی را سالانه ۲۵۰ میلیارد دلار و واردات آن‌ها را سالانه ۲۰۰ میلیارد دلار افزایش می‌دهد. کاهش تعرفه‌ها تا سال ۲۰۰۲، درآمد جهانی را ۲۱۳ میلیارد دلار بالا می‌برد که ۱۹۰ میلیارد آن ناشی از کاهش تعرفه‌ها و سوبسیدهای بخش کشاورزی است.

ویژگی‌های سازمان تجارت جهانی در مقایسه با گات ۱۹۴۷

قرارداد عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۴۷)، بر پایه‌ی ۵ اصل زیر، برای ۴۸ سال، روابط تجاری بین‌المللی را ۱۲ برابر افزایش داد و به سطح بی‌سابقه‌ای رساند. این اصول که هم‌چنان معتبر و مورد قبول سازمان تجارت جهانی است، عبارتند از:

۱. قبول نظام اقتصاد آزاد مردم‌سالار، مبتنی بر رقابت به سکانداری مردم هر کشور و ارشاد و هدایت دولت در هر کشور؛

۲. اصل دوستی و رفتار دوستانه با همه‌ی کشورهای عضو سازمان و عدم تبعیض بین دوستان در دسترسی رقابت‌آمیز به بازارها؛

۳. اصل حذف کلیه‌ی موانع غیرتعرفه‌ای از سر راه تجارت یا فراهم کردن شرایط مساوی برای همه در تجارت؛

۴. اصل تعرفه‌ای کردن کلیه‌ی سیاست‌ها و برنامه‌های ارشادی و حمایتی بازرگانی، صنعتی و قبول اصل کاستن تدریجی و دائمی تعرفه‌ها تا رسیدن به حذف نهایی؛

۵. اصل مشورت و یافتن راه‌حل مسالمت‌آمیز و عادلانه‌ی اختلافات تجاری بدون ایجاد اختلال در مناسبات اقتصادی.

رعایت این پنج اصل برای هر صادرکننده و واردکننده نسبت به شرایط بازار و مقررات حاکم بر هر بازار ایجاد اطمینان و امنیت

پیش شرط عضویت ایران در

سازمان تجارت جهانی،

روشن شدن نظام

تجارت خارجی کشور،

بر مبنای

اهداف دراز مدت

توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی

و

فرهنگی

جامعه‌ی ایرانی

است.

می‌نماید و برای موفقیت او در خرید یا فروش تنها توجه به قیمت و کیفیت و شرایط خرید یا فروش کافی است. در نتیجه چنین سیاست‌هایی، برنامه‌ریزی درازمدت برای تولید، صادرات، بازاریابی و سرمایه‌گذاری و توزیع در مقیاس وسیع‌تر و کاستن هزینه و قیمت امکان‌پذیر می‌گردد.

البته، مقررات گات و بهتر از آن مقررات سازمان تجارت جهانی در هر مورد پیش‌بینی‌های لازم را برای جلوگیری از سوءاستفاده از آزادی‌ها، مثل توسل به ارزان فروشی خارجی (دامپینگ) یا مسائل امنیتی یا وضعیت خاص ممالک در حال توسعه و پیش آمدن شرایط اضطراری مثل کمبود غذا، عدم تعادل شدید یا کسری موازنه‌ی پرداخت‌ها، صدمه‌ی غیرمنتظره به تولید خاص و یا اهمیت بخش‌ها یا محصولات خاص در اقتصاد یک کشور یا یک منطقه از قبل به‌عمل آورده است. علاوه بر این‌ها، اصل ضرورت تساوی و متقابل بودن امتیازات داده شده و گرفته شده، به هر کشور حق می‌دهد که بدون گرفتن امتیازات حداقل مساوی از نظر مقدار، زمان‌بندی و تأثیر بر اقتصاد از نظر درآمد، اشتغال، تولید، رفاه به کشور دیگر امتیازی ندهد. برای کشورهای در حال توسعه البته امتیازات خاصی در نظر گرفته شده است.

حوزه‌ی پوشش قرارداد عمومی تعرفه و تجارت یا گات ۱۹۴۷ فقط تجارت و دادوستدهای بین‌المللی کالاهای ساخته شده صنعتی به استثناء پارچه و الیاف، البسه و محصولات کشاورزی و دریایی بود. نفت و محصولات نفتی، اسلحه و کالاهای مربوط به



۴. کاهش سوبسیدهای صادرات: متوسط سوبسیدهای موجود در (۹۰ - ۱۹۸۹)، ۲۱ درصد طی ۶ سال کاهش می‌یابد. برده‌ی سوبسیدها در ۶ سال، ۳۶ درصد کم‌تر خواهد شد.

قبل از توافق‌های اخیر حمایت از صادرات و سوبسیدهای صادراتی و نیز حمایت‌های داخلی از کشاورزان به دو دلیل:

۱. انتقال قسمتی از هزینه‌های مربوط به تولید به دولت؛

۲. دریافت سوبسید برای صادرات (نوعی Dumping) قیمت محصولات کشاورزی پایین نگاه داشته بود، ولی با حذف این سوبسیدها و جایزه‌های صادراتی پیش‌بینی می‌شود قیمت و هزینه‌ی واردات غذا تا سال ۲۰۰۰ حدود ۱۰ درصد افزایش یابد.

سازمان تجارت جهانی در توافق‌های مربوط به کشاورزی برای ممالک در حال توسعه امتیازات و مزایای خاصی را منظور کرده است از جمله:

۱. کمک به ممالک در حال توسعه واردکننده حاصل غذا که از بالا رفتن قیمت محصولات غذایی متضرر می‌شوند به صورت دادن اعانات غذایی (مجانی)؛

۲. دوره شش ساله به کشاورزان فرصت می‌دهد که خود را با شرایط جدید منطبق سازند. و میزان تعهدات ممالک در حال توسعه دو سوم ممالک صنعتی است؛

۳. ثبات قیمت‌ها و شفافیت قیمت‌ها برای محصولات کشاورزی ایجاد می‌شود؛

۴. قیمت بالاتر مشوق افزایش تولید و سودآوری بیش‌تر است.

طبق قانون برنامه‌ی دوم، ایران طی دوره‌ی پنج‌ساله‌ی (۱۳۷۹ - ۱۳۷۴) در نظر دارد، جمعاً ۵/۶۲۲ میلیون تن محصولات کشاورزی به خارج صادر کند که ۴/۰۰۱ میلیون تن آن محصولات باغی (از جمله ۲/۴ میلیون تن پسته) است. سایر محصولات مانند سیب درختی، انار، مرکبات، انگور، خرما، بادام، برگه، قیسی، کشمش، میوه‌های خشک و گلاب در لیست کالاهای صادراتی ایران قرار گرفته است.

محصولات کشاورزی صادراتی دیگر شامل محصولات دام و طیور، یک میلیون تن (دام زنده، روده، پوست، پشم، کرک و مو، شیر خشک، خامه، عسل) محصولات شیلانی ۵۳۸ هزار تن (خاویار، میگو، لابستر و انواع ماهی و کنسرو آن) و محصولات جنگل و

کشاورزان و مردم روستایی درباره‌ی محیط‌بسته و محدود زندگی روستایی و پیدایش دید جهانی باعث گردید که دولت‌های دموکراتیک بخش کشاورزی را نیز به تبعیت از اصول حاکم بر تجارت کالاهای صنعتی و ادار سازند.^۲

اصول توافق‌ها

۱. کاهش تعرفه‌ها؛

۲. کاهش حمایت‌های داخلی و سوبسیدهای موجود. متوسط کل حمایت‌های موجود/AMS هر دوره‌ی سه ساله‌ی ۸۸ - ۱۹۸۶ برابر ۲۰ درصد طی شش سال (تا ۲۰۰۲) کاهش می‌یابد. ممالک در حال توسعه، سوبسیدهای حمایتی بخش کشاورزی را ۱۳/۳ درصد در شش سال تقلیل می‌دهند.

۳. تعرفه‌ای کردن حمایت‌ها و حذف موانع موجود در دوره‌ی سه ساله‌ی (۸۸ - ۱۹۸۶) ۳۶ درصد، به نحوی که واردات در سال اول (۱۹۹۶) برابر ۳ درصد مصرف داخلی و در سال (۲۰۰۰) برابر ۵ درصد مصرف داخلی باشد. ممالک در حال توسعه، طی ده سال، ۲۴ درصد تعرفه‌ها را تقلیل می‌دهند.

سال طرح علوم استانی



امنیّت کشورها و انرژی اتمی همیشه از مقررات گات مستثنا بوده است.

مذاکرات دور اروگوئه ۹۲ - ۱۹۸۶ که به تأسیس سازمان تجارت جهانی/ WTO انجامید حداقل از هفت نظر نسبت به مقررات گات ۱۹۴۷ کامل‌تر و پیشرفته‌تر می‌باشد:

۱. پوشش کشاورزی و تجارت محصولات کشاورزی؛

۲. پوشش تجارت پارچه و الیاف و محصولات؛

۳. پوشش شیلات و محصولات دریایی؛

۴. پوشش حقوق مالکیت معنوی/ TRIPS؛

۵. پوشش سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی/ TRIMTS؛

۶. پوشش دادوستد بین‌المللی خدمات/ GATS؛

۷. مؤثرتر کردن طرز رسیدگی و حل و فصل اختلافات.

با توجه به اهمیت کشاورزی در اقتصاد ایران، به خصوص نقش آن در اقتصاد مناطق شمالی ایران، در این جا به اختصار تنها به تشریح توافق‌های دور اروگوئه در مورد کشاورزی اکتفا می‌شود و علاقه‌مندان به آگاهی از سایر توافق‌ها به منابع و مقالات نوشته شده در این زمینه‌ها هدایت می‌شوند.

علت و اثرات شمول کشاورزی در مقررات سازمان تجارت جهانی

تغییرات ساختاری و درونی جمعیت کشاورزی در ممالک صنعتی، تغییر طرز تفکر درباره‌ی جنبه‌های امنیتی مسأله‌ی تأمین غذا و تغییر نگرش‌های اجتماعی - سیاسی

جدول ۱

تحولات تولید و تجارت در مقیاس جهانی ۱۹۸۰ - ۱۹۹۹

(میلیارد دلار - درصد تغییر)

متوسط رشد دهه (درصد)	متوسط رشد دهه (درصد)	متوسط					
۱۹۸۰-۹۹	۱۹۸۰-۹۰	۱۹۹۰-۹۹	۱۹۹۹ (۱)	۱۹۹۸	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۰-۸۹
-	-	-	-	-	-	-	-
۶۱	۱۱۲	۵۶۷۵	۷۰۸۷	۶۷۲۵	۴۴۰۰	۴۲۶۸	۲۶۸۰
۲۵	۸۵	۲۶۶۴۸	۲۹۷۷۲	۲۸۹۹۷	۲۳۶۳۶	۲۲۴۸۹	۱۴۴۷۳
-	-	۲۱/۳	۲۳/۸	۲۳/۲	۱۸/۶	۱۹/۰	۲۸/۵

تجارت جهانی (۲)

تولیدات جهانی (۳)

نسبت تجارت به تولید

(۱) پیش‌بینی. (۲) صادرات کالاها و خدمات بر حسب دلار.

(۳) تولیدات جهانی به نرخ ارز بازار محاسبه شده است.

درصدها توسط نویسنده محاسبه شده است.

منبع: IMF, World Economic Outlook, Oct 1998 Tables 1 And 22.

ذخیره‌سازی محصولات استراتژیک، کمک‌های سرمایه‌ای برای تعدیلات ساختاری و غیره از حوزه‌ی شمول مقررات گات استثناء شده است و از این نظر عضویت ایران در گات محدودیتی به وجود نمی‌آورد.

پیش‌شرط‌های عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی

پیش شرط عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، روشن شدن نظام تجارت خارجی کشور بر مبنای اهداف درازمدت توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ی ایران است. تجارت بخشی از روابط اقتصادی بین‌المللی کشور است و باید از آن به عنوان اهرم توسعه‌ی اقتصادی - علمی و تکنولوژیکی استفاده شود. باید روشن بشود که ما در درازمدت از روابط اقتصادی بین‌المللی چه انتظاراتی داریم و چه میزان از این انتظارات مربوط به بخش کشاورزی است. طرز پیوستن به سازمان تجارت جهانی و تعهدات اولیه‌ی هر کشور در مقاله جداگانه‌ای تشریح شده است.^۴

پی‌نوشت

۱. برای ملاحظه‌ی فهرست سازمان‌های اقتصادی - تجاری ایجاد شده در نیم قرن اخیر رجوع شود به: دکتر علی رشیدی، اقتصاد مردم‌سالار (بستر رشد جامعه مدنی)، تهران ۱۳۷۷، انتشارات آوای نوره، صص ۴۰۸ - ۴۰۶.

IMF, World Economic Outlook, 1998 Washington D.C.

2. IMF, World Economic Out Look, October 1998, Washington D.C. Table 1, P. 171.

۳. برای ملاحظات جزئیات توافق درباره کشاورزی رجوع شود به دکتر علی رشیدی - کشاورزی در مذاکرات دور اروگوئه، مجله اتاق بازرگانی، صنایع و معادن شماره سال صفحات.

۴. دکتر علی رشیدی، طرز پیوستن به سازمان تجارت جهانی، مجله اتاق بازرگانی، شماره ۴، سال ۱۳۷۴، صفحات ۲۹ - ۲۷.

به‌عنوان هدف کشاورزی علمی و صنعتی ایران قرار خواهد گرفت. اطمینان از بازار و قیمت و از سلیقه‌ی مصرف‌کننده و داشتن اطلاعات تطبیقی از وضعیت رقبا در هر بازار سبب پیدایش طبقه‌ی تولیدکننده و صادرکننده‌ی حرفه‌ای در بخش کشاورزی ایران خواهد شد که استمرار صادرات و درآمدهای ارزی ناشی از آنرا (بر خلاف وضع فعلی) ممکن می‌سازد.

در مورد واردات محصولات کشاورزی، ایران در ۱۳۷۱ جمعاً ۲۵۷۴ میلیون دلار برای واردات فرآورده‌های کشاورزی از قبیل گوشت، کره، پنیر، چای، گندم، برنج، روغن نباتی، شکر، چوب، سیگار، جوجه و غیره پرداخت کرده است. اگر اثر منفی حذف سوبسید ممالک صنعتی به بخش کشاورزی را بر قیمت کالاهای صادراتی این ممالک طی دوره شش ساله حداکثر ۱۰ درصد فرض کنیم (معاون گات آقای Jesus Seade/ این اثر را حدود ۵ درصد اعلام کرده است) منجر به واردات محصولات کشاورزی ایران سالانه بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار افزایش خواهد یافت که در هر صورت ایران باید این مبالغ اضافی را بپردازد. یعنی پرداخت قیمت بالاتر برای واردات گندم و شکر و گوشت و غیره با توجه به قیمت‌های بالاتر در سطح جهانی حتماً با عضو نشدن ایران در گات غیرقابل اجتناب است. بالا رفتن قیمت محصولات کشاورزی در بازارهای جهانی، تولید داخلی بیش‌تر این محصولات را تشویق و بی‌نیازی از واردات را به‌طور طبیعی میسر می‌سازد.

از نظر نیل به اهداف برنامه‌ی دوم در بخش کشاورزی نیز کلیه‌ی کمک‌های دولت برای انجام تحقیقات کشاورزی، کنترل امراض، آموزش، بازاریابی و فروش محصولات و خدمات زیربنایی به بخش کشاورزی و نیز

مرتع ۸۲ هزار تن (سقز، کتیرا، باریجه، آنقوزه و...) می‌باشد. غیر از خاویار و بعضی از محصولات جنگل و مرتع که ایران موقعیت نسبتاً انحصاری در بازارهای جهانی دارد. در مورد سایر کالاها ایران با رقابت شدید کشورهای حوزه‌ی دریای مدیترانه، ترکیه، یونان، تونس و کشورهای آسیایی مانند پاکستان، هندوستان، افغانستان، عراق و کشورهای آسیای مرکزی که از این پس در صحنه روابط بین‌المللی فعالیت دارند مواجه است.

صادرات کالاهای کشاورزی ایران در سال ۱۳۷۱ معادل ۹۴۳/۳ میلیون دلار محاسبه شده است. در این سال کل صادرات غیرنفتی برابر ۲۸۰۰ میلیون دلار و نسبت صادرات کشاورزی برابر ۲۴ درصد بوده است. کل صادرات غیرنفتی طی دوره پنج‌ساله‌ی برنامه‌ی دوم ۲۷۵۰۰ میلیون دلار و سهم صادرات محصولات کشاورزی ۱۶۶۰۰ میلیون دلار پیش‌بینی شده است.

با توجه به حجم و ارزش صادرات غیرکشاورزی پیش‌بینی شده و نیز صادرات احتمالی فرآورده‌های کشاورزی مانند انواع کنسروها و رب‌ها و اسانس‌ها که ایراف برتری نسبی طبیعی دارد، می‌توان پیش‌بینی کرد که با عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی درآمد صادرات محصولات کشاورزی ایران سالانه به حدود ۲ میلیارد دلار یعنی دو برابر سطح فعلی افزایش یابد (تا سال ۲۰۰۲ کل واردات محصولات کشاورزی در سطح جهانی ۱۹۰ میلیارد دلار اضافه خواهد شد) تأثیر مثبت دیگر عضویت حس کردن واقعی بازار و رقابت در صحنه‌ی بازارهای جهانی محصولات کشاورزی و اطلاع از ظرفیت‌ها است. یعنی تولید برای صدور و فروش بازارهای جهانی